amid [idmid] آمادگی در میان

اگر چیزی در میان چیز دیگری است ، پس در وسط آن قرار دارد.

→ زنبور عسل در میان گلهای باغ با شتاب پرواز می کرد.

پشت صحنه

backstage [ˈbækˈsteidʒ] مشاوره. پشت صحنه

اگر اتفاقی در پشت صحنه رخ دهد ، پشت صحنه تئاتر اتفاق می افتد.

→ بعد از نمایش ، کارگردان به پشت صحنه رفت و از بازیگران تشکر کرد.

میلیاردر

میلیاردر [biljəˈnɛər] n میلیاردر

میلیاردر کسی است که حداقل یک میلیارد دلار داشته باشد.

→ فروش اختراعات او مخترع را میلیاردر کرد.

وحشیانه

brute [bruːt] n. وحشیانه

وحشی کسی است که رفتار کند یا مانند حیواناتی خشن ظاهر شود.

brother برادر بزرگتر من وقتی نمی تواند راه خود را پیدا کند می تواند مانند یک وحشی رفتار کند.

ناشیانه

دست و پا چلفتی [ˈklʌmzi] adj. ناشیانه

اگر کسی دست و پا چلفتی باشد ، پس در اداره امور ناجور است.

→ تاجر دست و پا چلفتی بود و پرونده های کاری خود را کنار گذاشت.

برخورد کردن

collide [kəˈlaid] v برخورد

برخورد با چیزی به معنای ضربه زدن به آن هنگام حرکت است.

→ این دو ماشین با هم برخورد کردند زیرا رانندگان آنها مواظب نبودند.

مقصر

مقصر [ʌkʌlprit] n. مقصر

مقصر کسی است که مرتکب جرم یا عمل بد دیگری شده است.

→ پلیس هنوز در جستجوی مقصر از سرقت بود.

تخلیه

تخلیه [iˈvækjueit] v تخلیه

تخلیه یعنی ترک یک مکان خطرناک برای یک مکان امن.

→ در طی سیل ، بسیاری از خانواده ها به مناطق بالاتر تخلیه شدند.

قابل اشتعال

اشتعال پذیر [ˈflæməbəl] adj. قابل اشتعال

اگر چیزی قابل اشتعال باشد ، می تواند آتش بگیرد.

careful مراقب آن پتو نزدیک شمع باشید. بسیار قابل اشتعال است.

اوباش

mob [mɒb] n. اوباش

اوباش جمعیت زیادی از مردم است که اغلب می خواهند خشونت ایجاد کنند.

→ دستگاه کپی توسط انبوه کارگران عصبانی از بین رفت.

زودرس

زودرس [ˈprimətʃuər] adj. زودرس

اگر کاری زودرس است ، خیلی زود یا قبل از زمان مناسب انجام می شود.

→ جشن مارک زودرس بود زیرا توپ در سوراخ افتاده بود.

کینه توزی

resent [riˈzent] v. کینه توزی

کینه ورزیدن از چیزی به معنای داشتن احساسات بد نسبت به آن است.

→ او از این واقعیت که هرگز نتوانسته است ساز بزند ناراحت شد.

طنز

طنز [ˈsætaiər] n طنز

هجو کاری هنری است که از طنز و کنایه برای مسخره کردن چیزی استفاده می کند.

این کتاب طنزی از زندگی در ارتش است.

بررسی موشکافانه

scrutiny [ˈskruːtəni] n. بررسی موشکافانه

موشکافی بررسی دقیق چیزی است.

→ یک دانشمند باید همیشه کارهای دقیق خود را انجام دهد.

تفکیک

segregate [gsegrigeit] v. تفکیک کردن

تفکیک چیزی به معنای قرار دادن آن در یک گروه جدا از چیزهای دیگر است.

→ در کلاس ورزش ، کودکان به دو گروه پسر و دختر تقسیم شدند.

موضوع

موضوع [səbˈdʒekt] v موضوع

قرار دادن شخصی در معرض کاری به معنای مجبور کردن وی به انجام یا تجربه آن است.

→ افسران قبل از اینکه هواپیما را ترک کنند همه را تحت یک تحقیق دقیق قرار دادند.

گواهی دادن

شهادت دادن [ətestəfai] v شهادت دادن

شهادت دادن به معنای شهادت دادن به عنوان شاهد است.

→ در زمان شهادت قربانی در مورد سرقت ، قاضی گوش می داد.

هیاهو

tumult [ːtjuːmʌlt] n. هیاهو

هیاهو سر و صدایی بلند و گیج کننده است که توسط جمعیت زیادی از مردم ایجاد می شود.

→ او نمی توانست دوستش را به خاطر هیاهوی مهمانهای دیگر هیجان زده بشنود.

دست کم گرفتن

دست کم گرفتن [ˈʌndərˈestəmeit] v. دست کم گرفتن

دست کم گرفتن چیزی یا شخصی به معنای مهم نبودن آنها است.

→ ما بازی را از دست دادیم زیرا مهارت تیم مقابل را دست کم گرفتیم.

آشوب

uproar [ˈʌprɔːr] n. آشوب

هیاهو صدای بلندی است که توسط افرادی ایجاد می شود که بسیار عصبانی یا ناراحت هستند.

→ هواداران وقتی تیمشان بازی را از دست داد هیجان زیادی ایجاد کردند.

وحشی و میلیاردر

صدها نفر برای دیدن یک طنز مشهور آمده بودند ، اما در حین اجرا آتش سوزی در تئاتر آغاز شد. مخاطبان و بازیگران ساختمان را تخلیه کردند. خوشبختانه هیچ کس آسیب ندید و آتش به زودی خاموش شد. بلافاصله حاضران در جمع خشمگین جمع شدند و خواستند بدانند چه اتفاقی افتاده است.

به زودی مشخص شد که آتش سوزی در پشت صحنه شروع شده است و در آن زمان تنها دو نفر در منطقه بودند. یکی شوهر بازیگر ستاره نمایش ، میلیاردر هنری ریچ بود. دیگری سرایدار تئاتر ، بیل بود ، مردی بزرگ و قدرتمند که شبیه بی ادب بود.

جمعیت این دو نفر را جدا کرده و خواستار دانستن مقصر چه کسی بود. بیشتر مردم فکر می کردند مقصر بیل است. آنها احساس كردند كه او آتش سوزی را شروع كرده بدون اینکه هرگز وی را تحت هیچ گونه مراقبتی قرار دهد. بیل از این موضوع کینه ورزید اما چیزی نگفت.

خوشبختانه همسر میلیاردر در دفاع از خود شهادت داد. وی به جمعیت گفت: "تصمیم شما زودرس است." "در حالی که همه از آتش فرار کردند ، من در میان هیاهو سقوط کردم. بیل من را نجات داد و مرا از ساختمان خارج کرد. فکر می کنم شخصیت او را دست کم بگیرید. علاوه بر این ، برای اینکه بتوانم به اندازه کافی برای نجات من نزدیک باشم ، او نمی توانست نزدیک مکانی باشد که آتش سوزی را آغاز کرده است. "

سپس جمعیت نگاه خود را به میلیاردر معطوف کردند. " او این کار را کرد!" آنها فریاد زدند. "او را وادار کنید که پول بدهد!"

میلیاردر در مورد این هیاهو گفت: "صبر کنید". "اعتراف می کنم که آتش سوزی را شروع کردم ، اما این یک تصادف بود. داشتم برای دیدن همسرم به پشت صحنه می رفتم و دست و پا چلفتی بودم. من با یک لامپ برخورد کردم و آن به زمین افتاد. کف زمین قابل اشتعال بود. آتش سوزی شروع شد و من فرار کردم. »

جمعیت غافلگیر شدند. مردی که آنها سرزنش کردند بی گناه بود و میلیاردر مقصر بود. برای پرداخت هزینه خطای خود ، میلیاردر نه تنها تئاتر را تعمیر کرد بلکه برای بهتر شدن قبل از آن ساخت.